

### رازی گری در شاهنامه

احسان یغمایی - ایکاباقی

#### آشبنانه سیمرغ



در نوشتار پیشین اشاره شد که هر چند فضای معماری در کتاب سترگ شاهنامه به روشنی دیگر مواردی چون صحنه های جنگ و نبرد و زورآزمایی، لشکرکشی و یاریدادن های اساطیری و تاریخی بازگو شده است، اما فرموده فردوسی چندان گویا و روشن است که پژوهش راستین را خواستار است. گفته آمده بود که فردوسی به آتشکده ها و نیایشگاهها و پرستشگاهها بسیار اشاره فرموده است و هر چند او به فضای معماری شهرها، دژها و... نیز پرداخته است با این وجود از آنجا که فردوسی خود نیز شاهنامه را با نیایش پروردگار و ستایش بزرگان دین آغاز کرده است مابین به پیروی از سروده های جادوانی او بنیاد نخست فضای شعری را بر آتشکده ها می نهیم.

سه آتش مقدس نگاهدارنده کیتی و حافظ جهان است. از این سه آتش است که آتش همه آتشکده های بزرگ و کوچک و دور و نزدیک فروران را روشن می شود. جز آذر گشسب، آذر برزین مهر و آذر فرنبغ (ف رب) دو آتشکده دیگر هستند

در این راستا فردوسی فرموده: چنان دید در خواب کاشی پرست  
سه آتش فرزان ببردی به دست  
جز آذر گشسب و جز خوراد  
فرزان چو بهرام و ناهید و مهر  
آذر گشسب واژه ای است ترکیبی از آذر، گش و اسپ که معنای آتش ترننه اسپ یا آتش جهنده، آتش فرزان. که فردوسی خود نیز بارها از این معنا سود برده است

همان اسپ تو شاه اسپ من است  
کلاه تو آذر گشسب من است  
و یا  
به هر سو که قارن بر افتد اسپ  
همی تافت آن چو آذر گشسب  
و یا  
یکی نام تو در دگر زرسپ  
به میدان بماند آذر گشسب  
بر گفته فردوسی آتشکده آذر گشسب در آذربایگان قرار دارد.

پس و پیش گرداندر آزادگان  
همی رفت تا آذر آبادگان  
(نوشته یونان)  
و یا  
نشستند چون باد هر دو بر اسپ  
دمان تا در خان آذر گشسب  
به یک ماه در آذربایگان  
ببوندند شاهان و آزادگان  
فردوسی به درستی جایگاه آتشکده آذر گشسب را در آذربایگان می شناسد و جز ابیات بالا در سروده های دیگر نیز بر آن تاکید دارد. در حالیکه نظامی آن را در بلخ می شناسد.

میدان نقش جهان این قلب تپنده زیبا بیهای اصفهان و ایران از کهن ترین میدانهای ایران و پر شکوه ترین میدان ایران است و اگر میدانها را از نصف جهان خوانند اند بیشتر به انگیزه این میدان و چشم انداز بسیار دلنشین و نامی و بی شک و از چشمه های آبی که در آن جاری است و بازار شاهی یا بازار بزرگ با سر دو قیصریه، در سوی جنوبی این میدان مسجد شیخ لطف الله، در سوی باختری امام عالی قاپو و در سوی جنوبی آن مسجد جامع شاه سابق، با آن گنبد بزرگ بناهایی هستند که چارچوب میدان را ساخته اند. این میدان راست گوشه را درازای ۵۰۰ متر و پهنای ۱۶۰ متر در شمالی با واسطه فضای عظیمی است. شاه خیااب همیشه سبز چهارپایع اساسی می یونند که درو از حقیقت نیست اگر عیاضی را با همه این زیباییها نمی از جهان، بشماریم. هنگامی که در سال ۱۶۰۳ (۱۰۲۰ - ۱۶۱۱ م) شاه عباس بزرگ به میدان نقش جهان پرداخت رویه گسترده و بزرگ آن را که پیش تر جای داد و ستد بود، برای بازی چوگان از شن ریزه های پستر زاینده دور پوشانده و بوند و در سوی جنوبی این میدان سر در مسجد شیخ لطف الله بر پای شده بود. (۱۰۱۱ - ۱۰۲۰ م) ق / سر در بازار ( ۱۶۰۳ - ۱۶۰۲ م ) یکسال پس از آن به دستور شاه عباس جویهایی از زنده رود را در آن روان ساختند و بخشی از آن را با سبزه گل آراستند و فضایی سبز احداث کردند. هنوز هم دو دروازه سنگی در سوی این میدان یاد آور نخستین سالهایی است که نقش جهان میدان بازی چوگان بوده است.

ترسیم قدیم «شهردان» از میدان نقش جهان، پیشینه و راستین درست آن است. وی به تیرگی این میدان را در سفرنامه خود توصیف کرده است: «... میدان شاه یکی از زیباترین میدانهای جهان است. ... به شکل مربع مستطیل و به طول چهارصد و چهل قدم و عرض صد و شصت قدم است. اطراف میدان

بر پایه این کاوشها آتشکده ساسانی آذر گشسب گسترده ترین و کامل ترین آتشکده ای است که تا کنون از زیر خاک در آمده است. در آتشکده هایی چون آتشکده نیاسر کاشان یا آتشکده سه پا در ایلام بنای آن گنبدی استوار است به این هسته اصلی اتاقها و راهروهایی چند متصل است که جایگاه هیزم و یا گذرگاه بوده است در این آتشکده های کوچک خرابیگاه آتشی که در زیر گنبد بلند فروران بوده است اتاق کناری دیگری است که «بزین - گاه» نامیده می شود که در این اتاق فقط آتشی آنگاه که در معرض دید نیست تا ثلثا روشن است اما آتشکده آذر گشسب بسیار گسترده تر از یک آتشکده معمولی است. در این آتشکده از ایوان جنوبی به چهارطاقی اصلی که مرکز جایگاه آتش مقدس بوده وارد می شدند این بخش مرکزی مربع شکل و در ضلع آن ۸ متر درازا دارد.

بر روی همین بخش است که گنبد بلند و سترگ آن برپا بوده است دور اتاق مرکزی دالانی که به پرتابه آن را از بخش مرکزی جدا می ساخته است در میانه اتاق مرکزی محراب یا جایگاه آتش مقدس در یک چهار گوش از هشت ردیف آجر ساخته شده بود. که در آن پایه آتشدان قرار داشت

یکی شهید (کی خسرو) اندران دژ فرخ  
پر از باغ و میدان و ایوان و کاخ  
در آن جاکه آن روشنی بر دمید  
شد آن تیرگی سر بر سر ناپدید  
بفرمود خسرو بدمان جایگاه  
یکی گنبدی تا به ابر سیاه  
درازا و پهنای آن از دم گنبد  
به گرد اندرش طاق های بلند  
ز بیرون چو نیم از تکت تازی اسپ  
بر آورد و بنهاد آذر گشسب  
نشستند گرد اندرش موبدان  
ستاره شناسان و هم بخردان

تردید نیست که نیایش کنندگان می بایست پیش از رسیدن به بنای آتشکده از دوردست از اسپ پیاده شده به انجام مراسم می پرداختند. آتش مقدس را می شمرده اند. مسلمی چون ستایش مزدا اهورا، تاجگذاری، جشن ها، مراسمی و آیینی و...  
فردوسی در این راستا فرموده است  
پس و پیش گرداندر آزادگان  
همی رفت تا آذر آبادگان  
(نوشته یونان)

چو چشمش بر آمد به آذر گشسب  
پیاده شد از دور و بگذاشت اسپ  
آتشکده آذر گشسب چندان از اهمیت برخوردار بوده که شاهان و بزرگان برای ادای سوگند به آتش آن قسم یاد می کردند.  
یکایک به خسرو نهادند روی  
سیاه و سپه بد همه نام جوی  
زمانی به تخچیر تازیم اسپ

جزء دینی ترین آثار جهانی است. در اطراف این میدان کاخ ۶ طبقه عالی قاپو قرار دارد که خود به تنهایی جزء بناهای شگفت انگیز ایران و جهان است و بالای مسجدی آن با گنبدی خاص خود نگهدارنده هوا در درون تالار بوده است که در زمانهای شب نشینها صدرا در درون گنبد داشته و مانع شدیدن آن در خارج می شده است و درها پنجره های آن که در دوران قاجار به تاراج رفتند هرگز بازسازی نشدند و کنایهای مارپیچ و ایوان بزرگنظری برای نفوذ در معماری شگفت انگیز این بنا می باشند. مسجد امام (شاه سابق) که ۳۶۰ سال قدمت دارد در گوشه دیگر قرار گرفته و سر درب ورودی آن تالاری زیبا است که با طلا و نقره ساخته شده است. این مسجد یکی از مساجد چهار ایوانی است و در کاشیکاری آن هنرمندان شاکهار هنر رنگ را به هم آمیخته اند که هر گردشگری را به خود جلب می کند همچنین سنگ شامخ که نماز ظهر را به نمازگزار نشان می داده است در این مسجد قرار دارد و در زیر گنبد جنوبی سنگی قرار دارد که در صورتی که بر روی آن کمترین صدایی ایجاد شود آن را هفت مرتبه منگس می کند. از سوی دیگر مسجد شیخ لطف الله که شاکهار معماری دیگری است که به خطاطی نلک و کاشیکاری مزین شده است و راهرویی در گذرگاه ورودی ساخته شده است با چشم زمانی که از لوح روشنی میان قدم می کند و در درون فضای نیمه روشن مسجد می گذارد که این نور عادت کند و بتواند زیباییهای داخل مسجد را از همان لحظه اول مشاهده کند. حتی چمن برپایه



میدان نقش جهان  
در مرکز میدان دکل بزرگی است که به بلندی صد و بیست پا که در روزهای رسمی برای نشانه زدن به کار می رود... جلوی هر کدوم ( سر در مسجد شاه و مسجد زبازار ) همجوش است به محیط هفتاد پا و عمده قد با که اطراف آن از سنگ ساخته شده است... در روی این و اتاق های اطراف میدان نیز بالا تا پایین جای چراغ ساخته شده است...  
در هیچ کجای دنیا چنین چراغانی دیده نمی شود، زیرا همه این چراغها در حدود صد و پنجاه هزار عدد است...  
اطراف میدان میان جویها و معمارات درخت های چناری کاشته شده اند... این میدان در اعیان و روزهای رسمی مانند روز پنداری سفرای خالی می باشد، و در سایر مواقع مساف

زمانی توان پیش آذر گشسب بدیشان چنین گفت خسرو که من پر از بیم از شاه وز انجمن اگر پیش آذر گشسب این سران خورند و مرا یکسر ایمن کنند بیایند و سوغندهای گران یلان چون شتیدند گفتاروی همه سوی آتش نهادند روی بخوردند سوغندهای که دوست این نوشتار کوتاه که چسبیده ای برگرفته از سرودهای ژرف نگر فردوسی است نمایانگر آن است که چه اندازه آتشکده آذر گشسب از اهمیت برخوردار بوده. جز روشنی دیگر آتشکده ها شاهان به آتش آن قسم یاد کرده و با بزرگان پیمان هم داستانی می بستند.

#### فامور نامه



دکتر زاله آموزگار در ۱۳۱۸ ماه شهری خوی به دنیا آمد. پدرش اهل تبریز و مادرش تهرانی بود، با کسب رتبه اول از دبستان ایراندخت تبریز و کسب رتبه اول کنکور جهت ادامه تحصیل به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز وارد شد. چهار سال بعد باز هم با کسب رتبه اول از دانشکده ادبیات تبریز فارغ التحصیل شد و بورس تحصیلی در دانشگاه سوربن فرانسه به او تعلق گرفت، در سال ۱۳۴۲ تحصیلش را در نظر پروفیسور «پی بر دو مناش» آغاز کرد و در سال ۱۳۴۷ رساله دکتری اش با عنوان «فرهنگ و زبان های باستانی» با درجه عالی پذیرفته شد و به ایران باز گشت. از سال ۱۳۴۹ کارش را در دانشگاه آغاز کرد و تدریس را تاکنون ادامه داده است.

تألیف و ترجمه بیش از ۷۰ کتاب و مقاله دستاورد پر بار زندگی او است.  
کتاب «نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایرانی» نوشته آرتور کریستی سن، ترجمه و تحقیق زاله آموزگار و احمد تقی زین نخستین کتاب اوست که برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۶۹ شده است. «شناخت اساطیر ایران»، «اسطوره زندگی زرتشت»، «راداریف نامه» از کتاب های شاخص او هستند. وی هم اکنون با سمت استادی در دانشگاه تهران مشغول تدریس است.

نیشتر شاردن در دو سوی علیقاپو، طارمی جوی منقرش بوده است که در فضای بین ای طارمی و دیوار کاخ ۱۱۰ توب چلنی سبز رنگ ساخت اسبابها گذاشته بودند که از جمله غنایم جنگی شاه عباس با برتقالی ها در جزیره هرمز بود که نمونه های این توپ ها در جزیره قسم در سال ۱۳۷۹ بدست آمد.

در سال ۱۲۲۳ ه. ق / ۱۸۰۹ م «موره» که این میدان را دیده است می نویسد مردم تمام درختان میدان نقش جهان را از ریشه بیرون آورده و بجای آنها دوختان چنار و سپیدار نشاندند و این میدان آن چشم انداز دلنشین و سایه های روح پربان که شاهروان می نویسد را ندارد. در زمان پهلوی نخست میدان نقش جهان سرورسانی بهتر یافت و در سال ۱۳۱۳ خورشیدی ۱۹۳۴ م دقیقاً اندازه گیری شد در آن زمان درازای این میدان دینی ۵۱۲ متر و پهنای آن ۱۵۹ متر بود که امروز نیز چنین است

میدان نقش جهان هنوز کم و بیش چون گذشته است. آنگیز بسیار بزرگی که دور تا دور آن را با سبزه و گل به زیبایی آراسته اند قرار دارد و هنوز همان دو بیست باب مغازه بر جای است که هنرمندان و صنعتگران دست ساخته های خود را به نمازگزار نشان می داده است در این صدای ضربت مسگران، کنند و با عیور از دالان داخلی عمق تاریخ و زمانی که شادروان به دیدن میدان نقش جهان آمده است می برد.  
عالی قاپو، بازار و سر در قیصریه. مسجد شیخ لطف الله و مسجد امام هجرتان را که چهار ایوان قرار دارد و نمناشگرانی را که سوار بر کالسکه ها در خیابان عبیض دور تا دور می کنند و به آنها خیره شده اند و بیاید خود بلند و بلند که زمان با این میدان دل نشین و زیبا سر سازگاری دارد و به امید آنکه هزاران سال دیگر همین گونه بنیاید.

سپاس نامه  
بنیاد جمشید از خیراندیشان خانم ایراندخت سهرابی و آقای بهروز بهی زاده که تعداد ۵۰۰ جلد کتاب از کتابخانه شخصی روانشاد رستم هرمز دیار بهی زاده را به کتابخانه بنیاد جمشید اهدا نموندند تشکر می نماید.

دفتر وکالت  
فرامرز ضیاطبری  
وکیل پایه یک دادگستری  
خیابان آزادی، روبروی وزارت کار، کوچه بلمدادان، پلاک ۴۱  
تلفن: ۶۸۷۵۵۴۹  
شنبه - دوشنبه: چهارشنبه، ۵ تا ۵ بعد از ظهر

بهدین خادرم کوئین  
سازنده و مبتکر  
۱- آفریقان هررام  
۲- قله روشانی شاور  
۳- تعمیرات آب و فاضلاب نورزشت  
تلفن: ۸۸۲۱۶۶-۸۸۲۱۶۶

ساعت حرکت شب  
بازار بزرگ  
۱- آفریقان هررام  
۲- قله روشانی شاور  
۳- تعمیرات آب و فاضلاب نورزشت  
تلفن: ۸۸۲۱۶۶-۸۸۲۱۶۶



دایره سرورس - قرآنه مهری  
کتابخانه هور، باستانه نمیرتابان  
گلنزار، خور، بندر مینا، مهران، مهران

Rose day که گذشت ...



یه مدتی بود که تمام دهنمو و حتی پول تو جیبی مو به خودمش مشغول کرده بود. مجبور بودم حساب کتاب بولامو و خرج و مخارجمو داشته باشم تا بتوانم زره ذره پولارو جمع کنم که براش یه چیز حسایی بخرم . چیزی که لایقش باشه . از صبح به بونه کلاس رفتن زده بودم بیرون . تمام خیابانوارو متر کرده بودم و مغازه هارو وچوب وچوب گشته بودم . نسی دونه چرا این دفعه هر چی می گشتم چیزی به چشمم نسی بوید. تا به چیزی رو انتخاب می کردم ، صورتش می بوید جلوی چشم و تا چشم می افتاد تو چشماش دونه و پام می لیزید و از مغازه می بویدم بیرون . نامرودت بد چشمامی داشت از رویه که هر وقت می خواستم هر کاری بکنم تا تو چشماش نگاه نمی کردم و مطمئن نمی شدم که دلش راضیه جرات انجام دادن اون کارو نداشته. چون می دونستم اگه اون ته های هاشم به درد شک و تردید باشه اون کار دیگه کار بشو نیست!

ساعت از ۳ هم گذشته بود مطمئنا باید گشتم می شد ولی گشتم نبود. ما عین بودم اونه ای حتی احساس خستگی هم نمی کردم؟ چیزی می خوردم و بعد به ساعت پیاده روی باید ۶ ساعت می خوییدم تا خستگی از جونم در بیاد حالا ۶ ساعت دارم می بی دونم هیچ غرولند و خستگی!

اینجا بود که یی بردم به نیروی عشق تو دلم گشتم دمتم گرم عشق این کاره بودی و ما نترسیدم؟ همین طوری که باخودم این جرت و پامرو می گشتم رسیدم به یه مغازه عروسک فروشی . تو ویریش بر تو گشتم از این خوسای خوشگل رنگ و وارنگ که در دلشون قلبای کوچیک و بزرگ گذاشته بوید. با قلبای قمرز رنگی که روش با سفید نوشته شده بودم عجز نخرم و خودم جابه خوشگل پر از پوشال که دل هر عاشقی رو پاک نگاه به در می آورد! باخوتم برم تو که به هو به خودم گفتم باید یی سوسول بازی چیه؟ و به مثل مغازه های دیگه از اونم راحت گذشتم. چیزی رو که قیلاذ کفر شو کرده بودم دیده بودم ولی هیچکدام لایقت اونو نداشتم. باید به چیزی می گفتم که بهش نشون بدم چقدر دوست دارم . به چیزی که تا نگاش می به نفیتم چقدر بدخنت بیچاره شم و به روز نمی تونی بی اون زندگی کنم. خیلی فکر کردن این که به روز بخوام یی اون نفس بکشم چنان قلممو به درد میاره که اشکام یی اراده سرازیر می شن . خسته شدم بودم اما می رسیدم ، می رسیدم نکته چیزی پیدا نکتم و دست خالی برم خونه ؟! تو این فکر ایودم که حسن کردی که می دیدم باهم حرف می زنه و دستمو می کشه! ابرقنی نگاه یی کردی داره به سر سپر چه می کنه دستاش بر از گل های قرمز و با اون چشماش مظلومش داره منو نگاه می کنه و کلا رو به زور می زاره تو دستم . با اون کلا فلاکیریم کرده بود تنها کاری که می توانستم تو اون لحظه بکنم تنها به لیند بود. خوشش اومد اونم لیند زده، ولی انگار جنبه شو نداشتم چون پور شده بود و اون سه تا دستم گل دیدم گذشت تو دستم، می گفتم: خازوم بوب چقدر گلام گشتم، بخر ضرر نمی کنی ، اخرش به خدا توباد داره ، بخدر بنار منم بر می کشه! تا اسم خونه اول دلم لرزید ، ولی راست می گفتم لاش تشنگ بودم ، همه گلارو ازین خریدم تازه ۵۰۰ تو منم اضافه پیش دادم ، انقدر خوشحال بودم خودم چوری که هر چی دعا بلد بود برایم کرد، ایشالله خوشبخت بشیش بد جور به دلم نشست می خواستم بغلش کنم بپوشم ، ولی گفتم ولش کن جنبه شو خوردم ، بعد از اون همه پیاده روی کردن چیابونا و مغازه ها تنها یه دستم گل سرخ تو دستم بود و نوسته بودم دل به سپر بچه و شو شادم، گفتم یی خیال همین کلا بسه ، اخره تیز شده بود، دیگه فرصتی برای خریدن چیز دیگه ای نبود. تازه اونم که گل زود دستم ۱۰۰ نمی دونم خودم چه چوری به خونه رسوادم وقتی زنگ خونه رو زدم مثال میشه با اون صدای آروم و شگفتگی که هر وقت می شوم تو دلم خالی می شه گفتم که یی وقتی رفتم تو مثل همیشه تو آشپزخانه داشت کار می کرد. دستم گل رو گرفتم جلوش گفتم ، دوست دامت مامان ...

دو خط موازی زاییده شدند. پسری که در کلاس درس آنها را روی کاغذ کشید آن وقت دو خط موازی چشمشمان به هم افتاد.

و در همان یکم نگاه قلبشان تپیدو مهر یکدیگر را در سینه جای دادند. خط اولی گفت: ما می توانیم زندگی خوبی داشته باشیم و خط دومی از هیجان لرزید.

خط اولی گفت و خانه ای داشته باشیم در یک صفحه شمع که روزها کار می کنم می توانم پرورم خط کنار یک جاده دور افتاده و متروک شوم ، یا خط کنار یک دریا.

خط دومی گفت: من هم می توانم خط کنار یک گلستان چهار گوش گل سرخ شوم ، یا خط کنار یک نینکت خالی در یک پارک کوچک و خلوت.

خط اولی گفت: چه شغل شاعرانه ای و حتی زندگی خوبی خواهیم داشت و خط دومی لحظه معلم فریاد زد: دو خط موازی هیچ وقت به هم نمی رسند. ها تکرار کردند: دو خط موازی هیچ وقت به هم نمی رسند.

خط دومی آرام گرفت و آن دو اندوهناک از آن صفحه کاغذ بیرون خزیدند از زیر کلاس درس گذشتند و وارد حیاط شدند و از آن لحظه به بعد سفرهای دو خط موازی شروع شد. خط اولی گفت: شاید ما هیچوقت نباید از آن صفحه کاغذ بیرون می آمدیم. خط اولی گفت: در آن بوم نقاشی حتما آرامش خواهیم یافت. و آن دو وارد دشت شدند و روی دست نقاش رفتند و بعد روی قلمش. از دریاها ... از شهرهای شلوغ ...

سایها گذشتند و آنها دانشمندان زیادی را ملاقات کردند. سالیها دان به آنها گفت: این مجال است. هیچ فرمول ریاضی شما را به هم نخواهد رساند. شما همه چیز را خراب می کنید. فیزیکدان گفت: بگذارید از همین الان نا امیدانم. اگر می ...

فره شام چوپای  
با اطلاع قلبی، غرغ غرغ شام چوپای بسنا - هورام - ۸۲۷/۸۲۸ و فرزندش سپین روز ۲۰۰۸ و شرکت فرانسه شاهرخ و خوشنوی و سردبیر هفته نامه امرداد و تعداد اندکی از پاسخ دهندگان در دفتر هفته نامه امرداد به عمل آمدن بردگان به شرح ذیل مشخص شدند.

۱- خدو شماره ۷ - بسنا  
۲- سهراب باستانی (شیراز)  
برنده ربع سکه بهار آزادی (تهران)  
۳- آقای خساربان سهرامی (تهران)  
برنده ۶ ماه آیونمان رایگان هفته نامه امرداد برای خارج از کشور  
۴- خانم ناهید قلفلی (شیراز) برنده یک سال آیونمان رایگان هفته نامه امرداد برای داخل کشور  
۵- خانم دولت خدابخش شرف آباد (تهران) برنده ۶ ماه آیونمان رایگان

دو خط موازی



شد قوانین طبیعت را نادیده گرفت، دیگر دانشی به نام فیزیک وجود نداشت.

پزشک گفت: از من کاری ساخته نیست، دردتان بی درمان است. شیمی دان گفت: شما دو عنصر غیر قابل ترکیب هستید. اگر قرار باشد یکدیگر ترکیب شوید، همه مواد خواص خود را از دست خواهند داد.

ستاره شناس گفت: شما خودخواه ترین موجودات روی زمین هستید رسیدن شما به هم مساوی است با نابودی جهان. دنیا کن فیکون می شود سیارات از مدار خارج می شوند کرات با هم تصادم می کنند نظام دنیا از هم می پاشد. چون شما یک قانون بزرگ را نقض کرده اید.

فیلسوف گفت: متاسفم ... کجوب یک پارک کوچک و خلوت. و بالاخره به کودکی رسیدند کودک فقط سه جمله گفت: شما به هم می رسید. من در دنیای واقعات آن را در دنیای دیگری جستجو کنید. دو خط موازی او را هم ترک کردند و

باز هم به سفرهایشان ادامه دادند. اما حالا یک چیز داشت در وجودشان شکل می گرفت 'آنها کم کم میل رسیدن به هم را از دست می دادند' خط اولی گفت: این بی معنی است خط دومی گفت: چپی بی معنی است؟ خط اولی گفت: این که به هم برسیم خط دومی گفت: من هم میبظروم فکر می کنم و آنها به راهشان ادامه دادند

یک روز به یک دشت رسیدند. یک نقاش میان سبزه ها ایستاده بود و بر بومش نقاشی می کرد. خط اولی گفت: آیا وارد آن بوم نقاشی شوم و از این آوارگی نجات پیدا کنم. خط دومی گفت: شاید ما هیچوقت نباید از آن صفحه کاغذ بیرون می آمدیم.

خط اولی گفت: در آن بوم نقاشی حتما آرامش خواهیم یافت. و آن دو وارد دشت شدند و روی دست نقاش رفتند و بعد روی قلمش. از شهرهای شلوغ ... از دریاها ...

سالیها گذشتند و آنها دانشمندان زیادی را ملاقات کردند. سالیها دان به آنها گفت: این مجال است. هیچ فرمول ریاضی شما را به هم نخواهد رساند. شما همه چیز را خراب می کنید. فیزیکدان گفت: بگذارید از همین الان نا امیدانم. اگر می ...

فره شام چوپای  
با اطلاع قلبی، غرغ غرغ شام چوپای بسنا - هورام - ۸۲۷/۸۲۸ و فرزندش سپین روز ۲۰۰۸ و شرکت فرانسه شاهرخ و خوشنوی و سردبیر هفته نامه امرداد و تعداد اندکی از پاسخ دهندگان در دفتر هفته نامه امرداد به عمل آمدن بردگان به شرح ذیل مشخص شدند.

۱- خدو شماره ۷ - بسنا  
۲- سهراب باستانی (شیراز)  
برنده ربع سکه بهار آزادی (تهران)  
۳- آقای خساربان سهرامی (تهران)  
برنده ۶ ماه آیونمان رایگان هفته نامه امرداد برای خارج از کشور  
۴- خانم ناهید قلفلی (شیراز) برنده یک سال آیونمان رایگان هفته نامه امرداد برای داخل کشور  
۵- خانم دولت خدابخش شرف آباد (تهران) برنده ۶ ماه آیونمان رایگان

اسطربلاب

فرودین ماه: برای بسیاری از متولدین این ماه استراحت و در صورت امکان سفرهای کوتاه توصیه میشود چرا که فعالیتهای فکری و کاری شان تا حدودی کاهش یابد.

اردیبهشت ماه: متولدین این ماه نباید اجازه دهند احساس کینه نسبت به بعضی آنها در وجودشان ریشه بگیرد و با اصولاً تلخواری و ناراحتی هایشان در رفتار و کردار اجتماعی شان اثر بگذارد. دوشنبه بر تحرکی خواهد داشت.

تیر ماه: سختکوشی و تلاش در جمع متولدین این ماه درجه بالایی دارد. در حالیکه خانمانی این ماه نیز در کار شانس بسیاری دارند گاه با موانع و سنگ اندازی دوستان روبرو شده و در میمانند که چه کنند ولی خوشبختانه صبر و حوصله و در عین حال بموقع جنبیدن آنها بسبب میوه شاد تیر این دشمن ها به سنگ بخورد.

مرداد ماه: بسیاری از متولدین این ماه به تشکیل خانواده و امر زناشویی اهمیت میدهند، شانس سروسامان گرفتن ۹۰ درصد از خانمهای متولد این ماه وجود دارد. مسافرت به متولدین این ماه توصیه میشود تا آرامش خود را بازیابند، هر چند این مسافرت کوتاه باشد و چهارشنبه خرید بسیار خوبی را دریافت خواهید کرد.

شهریو ماه: شکست و ناکامی در زمینه مسائل عاطفی گریبان ۲۰ درصد از متولدین این ماه را میگیرد که اگر محروم از شانس محبت کنند خیلی زود می توانند این ناکامی را به مرور خوش و امید بخشی برسانند. کسی میخواهد به شما نزدیک شود او فرصت دهید شاید به نفع تان باشد. سه سنه خوبی در پیشرو دارید.

مهر ماه: شاید بدست آمدن آرامش و خوشبختی امروز برای متولدین این ماه آسان نبوده است، چرا که از فراز و نشیب های بسیاری گذشته و تن به سختی های فراوانی داده اند. در بین دوستان کسی از شما دلخور است، سعی کنید این مسائل را برطرف کنید. جمعه شانس با شما همراه هست، سعی کنید از آن استفاده کنید.

آبان ماه: کجاندگی و لجاجت در خیلی از متولدین این ماه چشم میخورد، این عده گاه شانس های بزرگ زندگی خود را بدلیل همین لجبازیها از دست میدهند در حالیکه باید بخود آیند و عقابله و درباره مسائل خود تصمیم بگیرند و با دوراندیشی آینه نگاه کنند. سعی کنید فرزندان را بیشتر درک کنید و بیشتر به آنها گوش کنید. پنجشنبه ی بسیار لذیذی پیشرو دارید.

آذر ماه: آذنهامی متولد این ماه دارای خصوصیات ویژه ای هستند، اگر آفرینش افراشان آنها را بدرستی و عمیقاً بشناسند، زندگی و دوستی با آنها آسان و تشریحی برآید است. چند نفری میکوشند میان زوج های خوشبخت متولد این ماه جفائی پدیدانند تا، خوشبختی اغلب با میضاری این عده را شناسائی کرده و خط بطلان بر حرفها و نظر افراشان میکشند.

دی ماه: نجابت و پاکدلی و ملاحظه کاری در روحیه اغلب متولدین این ماه، سبب باشد آنها خود را از زندگی راترجه بکنند، یکی دو نفر به تازگی با بدگویی و نیت و بدویهم زند میکوشند تا صمیمیتا را بهم بزنند. گاه در اصل نیت به یلبدی یارند بنا به عادت و مرض و بیماری اخلاقی که دارند این بونوها را می بینند.

بهمن ماه: شانس بسیاری از متولدین این ماه بلند است و از هر سوی آرایشان پانهمای امیدبخش میرسد. روز چهارشنبه خبر خوبی بدست شما میرسد که حاوی شپشدهای میباشد، قبل از هر تصمیمی به تمام زوایای قضیه فکر کنید و بعد جواب بدهش.

اسفند ماه: دوستان خوبی دارید در شاد و مادیات آنها سعی بیشتری بکنید. شنبه خوشایندی تام با فرزندانش در پیشرو دارید.

متولدین اسفند ماه

با آرمان تمویض سبیل: ماهی  
امرداد برای یاد دارم  
سیاره: پتوون  
عصمر وجود: آب  
شخصیت: زرد  
فلز وجود: شمشعی از فلزات مصنوعی  
سنگ خوش یمن: زبرجد  
رنگ محبوب: سبیل ماهی و سبز دریاپی  
مرد متولد اسفند ماه:  
مرد متولد این ماه می تواند قویا دهمان چیزی باشد که شما می خواهید و با قیقا همان چیزی باشد که شما نمی خواهید. او ضعیف نیست. مرد متولد اسفند ماه هیچ تعصمی ندارد. او با همه احساس همدردی می کند و همه را درک می کند. هیچ مساله ای او را شوکه نمی کند. او کنجکاو است و می کوشد در ضمن همدردی و بیاد کند و راه حل، قضاوتی عادلانه نیز داشته باشد. متولد این ماه معمولا آرام صحبت می کند و متین می اندیشد. مراقب باشید که هرگز با بر روی

جایزه پانچ درست این شماره جدول نیز یک ربع سکه بهار آزادی است که از سوی فرانسه شاهرخ و خوشوری تقبیل شده است و به قید قرعه به برنده جدول تقدیم می کنیم. از امروز تا ۱۰/۱/۸۲ وقت دارید تا جدول کامل شده را با ذکر مشخصات کامل و شماره تلفن تماس به آدرس تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۸۵/۱۳۹، پست پیابک بنویسید: «حل جدول شماره ۱۷ (اسفند)»

تنظیم: طرح شاهرخ و خوشوری  
شماره: ۱۷ اسفند

جدول یا جایزه

Table with 10 columns and 10 rows for a lottery game. The numbers 1-10 are listed at the top. The table contains a grid of numbers and symbols.

افقی

۱. عسگر بود ولی کم آورد. خرابی، نابودی، نشانه اعداد. بلند، بالغ - شکاف، رختنه، شکافتن. ۲. نوعی نقص. ایفای نیت است. تلخ است ولیکن میوه شیرین دارد. آفته به آب. ۳. جشنی در اسفند ماه. دوستی، محبت. پوشیدنی ها. ۴. راه در به دنبال جوارحت است. حرف تمجید. ۵. دانشکده، مدرسه عالی. ۶. درگوشی تلفن بچونید. ۷. دومان، خاندان. ۸. امیدواریم که همیشه نیک باشد

عمودی

۱. قصه موش و گربه را از زبان او باید شنید. ۲. مثل ومانند. درخت می بر. ۳. معمولاً باید گذراند تا به دانشگاه راه یافت. ۴. معاون هیئترو بود. یلی به زبان بیگانه. ۵. ایرانی. ۶. از دیدنی هاست. هم دیدن. ۷. نام مؤسس سلسله ساسانیان. ۸. دروازه بان. ۹. سگ به زبان بیگانه. داد پول یا چیزی برای نجات خوشبختی یا دیگری. ۱۰. سربینه. ۱۱. فرمان گرفته معذور. واحد وزن. ۱۰. طاقت و توان. ۱۲. از حرف شرط. ۱۳. از کشیدنی هاست. ۱۴. سخن بیهوده. بعضی به این نظر می کنند که آسوده باشند. ۱۵. دوستی. دوستی داشتن. دانشش برای ترقی بظاهر است. ۱۶. چاشنی. نوعی خوالیدن. ۱۷. شماره ای برای شناسایی. جنس به ظاهر بلوچستان. خدا. ۱۸. مظهر برای جانی. زاد لر آید و با ناله سودا کند. یکی از نسک - های کتاب مقدس اورسا. ۱۹. خوف انگیز. ۲۰. قند تاز زده. گاه مشکل گشای می شود. در ستون ۱ افقی بچونید

افقی

۱. عسگر بود ولی کم آورد. خرابی، نابودی، نشانه اعداد. بلند، بالغ - شکاف، رختنه، شکافتن. ۲. نوعی نقص. ایفای نیت است. تلخ است ولیکن میوه شیرین دارد. آفته به آب. ۳. جشنی در اسفند ماه. دوستی، محبت. پوشیدنی ها. ۴. راه در به دنبال جوارحت است. حرف تمجید. ۵. دانشکده، مدرسه عالی. ۶. درگوشی تلفن بچونید. ۷. دومان، خاندان. ۸. امیدواریم که همیشه نیک باشد

عمودی

۱. قصه موش و گربه را از زبان او باید شنید. ۲. مثل ومانند. درخت می بر. ۳. معمولاً باید گذراند تا به دانشگاه راه یافت. ۴. معاون هیئترو بود. یلی به زبان بیگانه. ۵. ایرانی. ۶. از دیدنی هاست. هم دیدن. ۷. نام مؤسس سلسله ساسانیان. ۸. دروازه بان. ۹. سگ به زبان بیگانه. داد پول یا چیزی برای نجات خوشبختی یا دیگری. ۱۰. سربینه. ۱۱. فرمان گرفته معذور. واحد وزن. ۱۰. طاقت و توان. ۱۲. از حرف شرط. ۱۳. از کشیدنی هاست. ۱۴. سخن بیهوده. بعضی به این نظر می کنند که آسوده باشند. ۱۵. دوستی. دوستی داشتن. دانشش برای ترقی بظاهر است. ۱۶. چاشنی. نوعی خوالیدن. ۱۷. شماره ای برای شناسایی. جنس به ظاهر بلوچستان. خدا. ۱۸. مظهر برای جانی. زاد لر آید و با ناله سودا کند. یکی از نسک - های کتاب مقدس اورسا. ۱۹. خوف انگیز. ۲۰. قند تاز زده. گاه مشکل گشای می شود. در ستون ۱ افقی بچونید



